



نگاهی به مجازات های (قصاص، دیات و حدود) اقلیت های دینی در ایران و ادیان الهی

تالیف:

مهوش فارسی

انتشارات قانون یار

۱۳۹۶

سرشناسه	: فارسی، مهوش
عنوان قراردادی	: ایران. قوانین و احکام
عنوان و نام پدیدآور	: نگاهی به مجازات‌های (قصاص، دیات و حدود) اقلیت‌های دینی در ایران و ادیان الهی/ تالیف مهوش فارسی.
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات قانون یار، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۱۹۸ ص.
شابک	: ۲۰۰۰۰ ریال ۹۷۸-۶۰۰-۸۷۹۶-۰-۱۹-۰۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه به صورت زیرنویس.
موضوع	: اقلیت‌های دینی -- وضع حقوقی و قوانین -- ایران
موضوع	: Religious minorities -- Legal status, laws, etc -- Iran
موضوع	: اقلیت‌های دینی -- حقوق مدنی
موضوع	: Civil rights -- Religious minorities
موضوع	: حقوق تطبیقی دینی
موضوع	: Comparative religious law
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۶ ۸.ز.۲/۲۴۶۷KMH
رده بندی دیویی	: ۵۵-۸۷۳/۳۴۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۷۰۶۷۵۱

انتشارات قانون یار

نگاهی به مجازات‌های (قصاص، دیات و حدود) اقلیت‌های

دینی در ایران و ادیان الهی

تألیف: مهوش فارسی

ناشر: قانون یار

ناظر فنی: محسن فاضلی

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۱۰۰ جلد

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

شابک: 978-600-8796-19-0

مرکز پخش: تهران. میدان انقلاب. خیابان اردیبهشت پلاک ۹۲

۰۲۱۶۶۹۷۹۵۲۶

۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹

فهرست مطالب

۷	مقدمه
۹	فصل اول
۹	کلیات
۶۱	فصل دوم
۶۱	بررسی حقوق کیفری ادیان الهی
۱۸۹	منابع و مآخذ
۱۸۹	منابع فارسی
۱۹۷	منابع اینترنتی

مقدمه

مساله قانونمداری یکی از اصول اساسی خلفت انسان است و خداوند حکیم با انتخاب انبیاء الهی راه چگونگی زیستن و اجرای قوانین را در قالب کتب الهی به بشر اعطاء نموده است. پیامبران الهی با برقراری عدالت و با ابلاغ و اجرای احکام خداوند راه صواب از ناصواب را برای جامعه بشری هموار نمودند پیامبرانی همچون حضرت عیسی(ع)، حضرت موسی(ع) و زرتشت پیامبر و حضرت ختمی مرتبت حضرت محمد(ص) می باشند و هر یک از پیامبران در ابلاغ دین خدا به روش خود عمل می نمودند و انسانیت را فارغ از هر مسلکی به هیچ روشی زیر سوال نبرده اند و همواره با کرامت رفتار می کردند از جمله این پیامبران می توان حضرت محمد(ص) را نام برد که بین مسلمان و غیر مسلمان هیچ فرقی نمی گذاشتند و از هر ظلمی نسبت به هر انسانی ممانعت می نمودند. حضرت رسول(ص) با استناد به آیه «لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی» دین اسلام را ابلاغ و راه رستگاری را بیان نمودند ولی تمام انسانها را آزاده می دانستند و راه انتخاب دین را به همه می داد تا هر کسی مختارانه و آزادانه مسیر زندگی دنیوی و اخروی خود را انتخاب نمایند ناگفته نماند که اهل بیت پیامبر(ص) نیز همین راه و روش را سرلوحه کار خود قرار داده بودند نمونه زیبا از تبعیت ائمه اطهار(ع) از سیره پیامبر(ص) را می توان در رفتار امام متقیان بیایم همان داستان زیبا و حکمت آموز حضرت علی(ع) را هنگامی که زره خود را در دست یکی از یهودیان یافت با اینکه حاکم و امام مسلمین بود اما از مقام خود استفاده ننمودند و به حاکم شرع مراجعه نمودند و چون شاهدی نداشتند حکم به نحو فرد یهودی صادر شد و این عملکرد امام علی(ع) راهی برای مسلمان شدن مرد یهودی شد.

فصل اول

کلیات

۱- کلیات

۱-۱- کفر

۱-۱-۱- واژه ی کفر و اقسام کفر

واژه کفر از نظر لغوی به معنای پوشاندن است و در زبان عربی زارع و شب را کافر گویند چرا که با تاریکی خود همه اشیا را مستور می کند همچنانکه کشاورز نیز دانه ها را در زمین پنهان نموده و روی آن را با خاک می پوشاند.

در اصطلاح شریعت کفر به معنای عام نقیض کلمه ایمان بوده و کافر به کسی اطلاق می شود که منکر خداوند گشته یا برای او شریک قائل شود و یا به رسالت پیامبر اکرم (ص) معتقد نبوده و یا انکار ضروری دین نماید و بدان جهت متصفین به این صفات را کافر می نامند که این گروه نیز حق را پوشانیده و نسبت بدان جحود می ورزند و از امام باقر (ع) روایت است که هر چیز به انکار و جحود کشیده شود کفر است. لفظ کفر در قران مجید به معنای ناسپاسی در برابر شکر و سپاس نیز بکار رفته است چرا که ناسپاسی بمعنای پوشانیدن نعمت و کفران آن می باشد. در فقه اسلام، کفار به انواع مختلف تقسیم بندی شده اند مثلاً انقسام به کافر اصلی و مرتد و با تقسیم به کافر حربی و کتابی و ... و ما در این جا برای هموار نمودن بحث می توانیم عموم کفار را به سه دسته زیر تقسیم نمایم

الف- کسانی که به هیچ نوع مذهب و دینی اعتقاد نداشته یا پیرو آئین های باطلی هستند که فاقد هر گونه ریشه آسمانی بوده و بوئی از ارتباط با وحی نبرده اند..



ب- گروههایی که خود را پیرو یکی از پیامبران آسمانی شمرده و از شرایع سه گانه اهل کتاب محسوب نگردند، همانند کسانی که خود را پیرو صحف ابراهیم (ع) یا زبور داود (ع) می دانند..

ج- اهل کتاب و ملحقین به آن که عبارتند از پیروان ادیان یهود مسیحیت و مجوس. که این مورد بحث رساله تحت عنوان اقلیت می باشد

۱-۱- اقلیت

۱-۲-۱- واژه ی اقلیت

واژه اقلیت^۱: مصدری جعلی است. به معنی اندک بودن، کم بودن، قسمت کمتر، مقابل اکثریت. اقلیت دینی یا مذهبی، گروهی اندک از مردم یک کشور یا یک شهرند که پیرو دین یا کیشی مخالف عامه مردم آن شهر یا کشور باشند.^۲

تعریف اقلیت سهل و ممتنع است. سهل از آن جهت که معنای واژه گویاست: «گروهی که با اکثریت جامعه تفاوت اساسی دارند» و ممتنع از این لحاظ که تلاش سازمان ها و جوامع بین المللی جهت ارائه تعریفی جامع و کامل از آن تاکنون به جایی نرسیده است.^۳ زیرا که در تشخیص اقلیت از اکثریت ملاک های متعددی را می توان لحاظ کرد. از جمله همسانی یا ناهمسانی دینی، نژادی، زبانی، و غیره.....

به هر صورت امروزه در بحث های حقوقی به لحاظ مشخصه هایی، بر گروهی از اتباع یک کشور «اقلیت» اطلاق می شود. برخی از این ملاک ها بدین شرح است:

الف- گروهی که از لحاظ تعداد کمتر از سایر اتباع کشور باشند.

ب- حاکمیت را در دست نداشته باشند.

ج- با سایر افراد جامعه از نظر نژادی، ملی، فرهنگی، زبانی یا مذهبی متفاوت باشند.

۱-۲-۲-۱- اصطلاح اقلیت

^۱ - دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، ج ۵ و ۶، چاپ اول، انتشارات ققنوس، تهران، ۱۳۸۰، ص ۲۰.

^۲ - معین، محمد، فرهنگ معین، ج ۱، چاپ سوم، میراث اهل قلم، تهران، ۱۳۸۷، ص ۵.

^۳ - ترنبری، پاتریک، حقوق بین الملل و حقوق اقلیت ها، چاپ اول، نشر دیدار، تهران، ۱۳۸۸، ص ۱۲.



اصطلاح اقلیت در بسیاری از نوشتارها و گفتارهای حقوقی و قوانین داخلی و مقررات بین المللی به کار رفته است. مثلاً قانون اساسی جمهوری اسلامی بی آن که تعریفی از این اصطلاح به دست دهد در اصول ۶۷، ۲۶، ۱۳ از این واژه استفاده نموده است.^۱

در منشور ملل متحد و اعلامیه ی جهانی حقوق بشر اصطلاح اقلیت به کار نرفته است اما در شماری از اسناد حقوق بشری که پس از آن ها تصویب شده این اصطلاح وجود دارد. از جمله ماده ی ۲۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی مقرر می دارد: «در کشورهایی که اقلیت های نژادی، مذهبی یا زبانی وجود دارند؛ اشخاص متعلق به اقلیت های مزبور را نمی توان از این حق محروم نمود که مجتمعاً با سایر افراد گروه خاص خودشان از فرهنگ متمتع شوند و به دین خود متدین بوده و بر طبق آن عمل کنند یا به زبان خود تکلم نمایند»^۲ ماده ی ۲۰ کنوانسیون حقوق کودک بیان می دارد: «کودکان متعلق به اقلیت های قومی، بومی، مذهبی، باید حق برخورداری از فرهنگ خود و تعلیم و اعمال مذهب و زبان خود را داشته باشند» یکی از تعاریف مصطلح برای واژه ی اقلیت توسط «کاپوتورتی» گزارشگر ویژه کمیسیون فرعی منع تبعیض و حمایت از اقلیت ها ارائه شده است. وی می گوید: «براساس ماده ی ۲۷ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، اقلیت، گروهی است که از نظر تعداد از بقیه جمعیت یک کشور کمترند، در وضعیتی غیر حاکم قرار دارند، اعضای آن ها تبعه دولت محسوب می شوند، دارای ویژگی های نژادی، مذهبی، یا زبانی متفاوت با بقیه ی جمعیت می باشند و دارای نوعی انسجام هستند که به سمت حفظ فرهنگ، سنت ها، مذهب یا زبان خود پیش می روند.»^۳ تلاش سازمان ملل متحد جهت ارائه تعریفی جامع و کامل برای واژه «اقلیت» تا کنون به جایی نرسیده است و تعریف «کاپوتورتی» از اقلیت، کامل ترین تعریف به شمار می آید. طبق این تعریف سه عنصر اصلی در تعریف «اقلیت» وجود دارد:

۱- افراد اقلیت کمتر از اکثریت جمعیت کشوری می باشد.

^۱ - اصل ۱۳، ایرانیان زرتشتی، کلیبی، و مسیحی تنها اقلیت های دینی شناخته می شوند، اصل ۲۶ (احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیت های دینی) اصل ۶۷، (نمایندگان اقلیت های دینی این سوگند).

^۲ - شیرنگ، محمد، منشور سازمان ملل متحد، چاپ ششم، انتشارات دانشور، تهران، ۱۳۸۲، ص، ۱۰۵.

^۳ - همان.



۲- شاخص دیگر اقلیت‌ها عدم حاکمیت آن‌هاست. به این عنصر ایراداتی وارد شده است، از جمله این که در بیشتر کشورهای آفریقایی این اقلیت‌ها هستند که حاکم‌اند و این گروه‌ها به حمایت از این ماده نیازی ندارند.

۳- گروه اقلیت علاقه مند است که ویژگی‌های خاص خود و سنت‌های گذشته‌ی خود را حفظ نماید. در این تعریف، اقلیت‌ها، اتباع یک کشور هستند که در آن سکونت دارند. در حالی که خود لفظ اقلیت از نظر ریشه‌شناسی، تمایزی بین اتباع یک کشور و غیر اتباع قائل نیست.

۱-۳- تاریخچه

صفحات تاریخ مملو از ظلم‌ها و تعدیاتی است که در حق اقلیت‌ها روا داشته شده است چه اقلیت زبانی، قومی، نژادی و چه اقلیت‌های دینی. اگر به تاریخ مراجعه کنیم کمتر موردی را می‌توان یافت که حکومت اکثریت با اقلیت با مهربانی برخورد و حقوق آن‌ها را مراعات کرده باشند اینک به ترتیب تاریخی به گوشه‌هایی از نحوه رفتار با اقلیت‌ها در ادوار تاریخ و جوامع مختلف اشاره می‌کنیم.

۱-۳-۱- اقلیت‌های دینی در قرون اولیه

نظر به این که در این قرون چون تنها دو امپراتوری ایران و روم دارای حکومت متشکل بوده و از نهادهای مختلف اجتماعی برخوردار بودند و در آن روزگار جامعه‌ای متمدن محسوب می‌شدند، بررسی وضعیت اقلیت‌ها در قرن اولیه را به این دو جامعه اختصاص می‌دهیم.

۱-۳-۲- امپراتوری ایران

۱-۳-۲-۱- جامعه هخامنشی

کوروش، مشهورترین پادشاه ایران باستان به عقاید اتباع سرزمین خود احترام می‌گذاشت. به آزادی عقیده و عبادت اعتقاد داشت، از غارت شهرها و تخریب معابد خودداری می‌کرد. نسبت به مقامات ملل شکست خورده به دیده احترام می‌نگریست. و برای نگهداری پرستش‌گاه‌ها و معابد از خود کمک مالی می‌کرد.

پس از فتح بابل اقلیت‌های اسیر یهودی که توسط «بختنصر» به بردگی و اسارت کشیده شده بودند را آزاد ساخت و سیم و زری که «بختنصر» از معابد او «اورشلیم» به غارت برده بود به معابد بازگرداند



و به مردم فرمان داد که برای مسافرت درازی که قوم یهود برای بازگشت به وطن خویش در پیش دارند به آنان کمک کنند و آنچه را که آنها به آن محتاج اند بدهند.^۱

۱-۳-۲-جامعه ساسانی

در جامعه ساسانی در کنار دین زردشت دیگر مذاهب جایگاهی نداشتند. وقتی که «مانی» ادعا کرد که چهارمین پیامبر خدا در ردیف بودا، زردشت و مسیح است و دینی مبتنی بر تجرد و صلح طلبی را آورده است، مغان متعصب او را مصلوب کردند و «مانویت» مجبور شد موفقیت خود را خارج از مرزهای ایران جستجو کند.

با این وجود موبدان و پادشاهی ساسانی عموماً نسبت به یهودیت و مسیحیت تسامح به خرج می دادند.

عده ی زیادی از یهودیان به ایالات باختری امپراطوری ایران پناهنده شدند. وقتی ساسانیان به قدرت رسیدند، مسیحیت در ایران مستقر شده بود و این دین تا وقتی که دین رسمی دشمنان ایران، یعنی یونان و روم نشده بود، تحمل می شد، اما پس از آن که روحانیون مسیحی نقش فعالی در دفاع از سرزمین بیزانس در برابر شاپور دوم به عهده گرفتند و مسیحیان ایران امید طبیعی خود را به پیروزی «بیزانس» آشکار ساختند مورد تعقیب قرار گرفتند و در سال ۳۴۱ م، «شاپور» فرمان به قتل عام تمام مسیحیان امپراطوری خود داد. در طی این تعقیب و آزار ۱۶ هزار مسیحی کشته شدند. اما یزدگرد اول (۳۹۹-۴۲۰ م) آزادی مذهبی را به مسیحیان بازگرداند و آنان را یاری داد تا کلیساهای خود را بسازند.^۲

۱-۳-۳-امپراطوری روم

تا زمانی که آیین مسیحیت از طرف دولت روم به رسمیت شناخته نشده بود همواره در زیر شکنجه و آزار یهودیان به سر می برند. تنها در طلیعه قرن چهارم میلادی بود که به موجب فرمانی که در سال ۳۱۱ میلادی از طرف امپراطوری روم صادر شد، مسیحیان آزادی مختصری یافته، از شکنجه و تعصب ورزی علنی یهودیان نجات پیدا کردند. در یکی از جنگها که میان دولت ایران و روم در گرفته بود یهودیان هشتاد هزار اسیر مسیحی را از ایرانیان خریدند و از روی کینه و انتقام همه را از دم تیغ گذراندند.

۱ - دورانت، ویل، تاریخ تمدن، ج ۴، ترجمه ابوطالب صارمی، چاپ چهارم، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۳، ص ۳۸۱.

۲ - دورانت، ویل، همان کتاب، ج ۴، ص ۱۷۲، و ج ۱، ص ۵۱۹.



در عصر امپراطوری قرون (۳۷-۶۶ م) به دنبال شورش یهودیان در شهر قدس، این شهر به فرمان امپراطوری محاصره شد و یهودیان قدس قتل عام شدند. معابد یهود ویران و کاهنان و رؤسای مذهبی آن ها را با وضع فجیعی کشتند.^۱

۱-۳-۴- اقلیت های دینی در قرون وسطی

قرون وسطی دوران اوج «نابرداری مذهبی» است. در این قرون اقلیت های مذهبی روزگار خوشی نداشتند و از آزار و اذیت و حتی قتل و کشتار در امان نبودند. جنگ های پر دامنه دار و ویرانگر مسیحی در این قرون اتفاق می افتد. ویژگی مهم جنگهای مزبور این است که رنگ دینی و مذهبی دارند و دو طرف این جنگ مسیحیان اروپایی و مسلمان هستند و این نیروهای فاتح اند که پس از تصرف شهرها و روستاها سرنوشت مردم شکست خورده و دین و آئین دیگر را تعیین می کنند.^۲ «آلبرماله» در تاریخ خود می نویسد: «گود فرد، فرمانده سپاه خون آشام مسیحی، در گزارش خود به پاپ چنین نوشت: اگر می خواهید بدانید با دشمنانی که از بیت المقدس به دست ما افتاد (مسلمانان) چه معامله شد همین قدر بدانید که کسان ما در رواق سلیمان و معبد در لجه ای از خون مسلمان می تاختند و خون تا زانوی مرکب می رسید.»^۳

کشتار حامیان کلیسا به همین جا پایان نیافت، بلکه طی مجلسی تصمیم گرفتند که یکمرتبه تمام سکنه بیت المقدس را، اعم از مسلمانان و مسیحی و یهودی از دم تیغ بگذارند و این قتل عام تا هشت روز ادامه داشت و خون خواران مسیحی پس از قتل عام شهر وارد مسجدالاقصی شده، زاهدان و معتکفان را سربریدند و آنگاه به سراغ مسجد عمر رفتند. سپس به سوی معبد یهودیان سرازیر شدند و آنجا را آتش زدند. به طوری که یهودیان به این سو و آن سو می دویدند و شیون می کشیدند و در میان آتش می سوختند.^۴

۱-۳-۵- اقلیت های دینی در قرون اخیر

در اروپا در قرون شانزدهم و هفدهم، عموماً بر این عقیده بودند که کلیه رعایای یک مملکت باید در تمام مسائل اساسی با یکدیگر همفکر باشند و خصوصاً در مسائل مذهبی باید از مذهب پادشاه خود

^۱ - عمید زنجانی، عباسعلی، حقوق اقلیتها، ج ۳، چاپ پنجم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۷، ص ۲۵.

^۲ - قربانی، زین العابدین، اسلام و حقوق بشر، چاپ اول، نشر کتابخانه صدر، سال ۱۳۷۵، ص ۳۷۱.

^۳ - عمید زنجانی، عباسعلی، همان کتاب، ص ۶۹.

^۴ - دورانت، ویل، همان کتاب، ج ۷، ص ۶۱۲.



پیروی کنند. بنابراین در هر مملکت فقط یک مذهب وجود داشت که آن هم رسمی و اجباری بود و مردم حق نداشتند از قواعد آن تخلف ورزند. این روش را عدم اغماض یا نظارت مذهبی گویند. مثلاً انگلیس پروتستان، کاتولیک ها را از حمایت قانون خارج می ساخت و فرانسه پروتستان ها را بعد از نسخ فرمان «نانت» تعقیب می کرد.

تفتیش مذهبی در اسپانیا و در ایتالیا نیز وجود داشت. در آن عصر خیال می کردند که اختلاف مذهب موجب تفرقه مملکت است، در نتیجه بین دولت و مذهب اتحاد کاملی وجود داشت. به همین خاطر در قرن شانزدهم هزاران یهودی از اسپانیا و پرتغال رانده شدند و حکومت مسلمانان عثمانی آن ها را پناه داد و نیز در اسپانیا آیین یهود غیرقانونی اعلام شد و حکومت مسیحی، یهودیان را از انجام مراسم مذهبی خود منع و آنان را به پذیرفتن آیین مسیحیت مجبور کرد.^۱

۱-۳-۶- وضعیت اقلیت های دینی در اسلام

مسلمین در روابط خود با اقلیت های مذهبی نه تنها از اصول اخلاقی و عواطف انسانی پیروی می کنند بلکه این روابط حسنه را تا حد مراعات آداب و مراسم اجتماعی گسترش می دهند، مسلمین همان طوری که از هم کیشان خود هنگام بیماری عیادت می کنند و در دشواری ها یاری و کمکش می نمایند در مورد اقلیت ها نیز همین آداب و مراسم را انجام می دهند و اسلام نه تنها به زنده آن ها بلکه نسبت به مرده آنها نیز احترام قائل است. پیامبر اکرم برای احوال پرسی و عیادت بیماران آنان به بالینشان می شتافت و در تشییع جنازه مردگان آن ها حضور می یافت و با گشاده رویی آنان را می پذیرفت «جابرین عبدالله» می گوید: جنازه ای از کفار از کنار ما گذشت. پیامبر اکرم برخاست. ما نیز برخاستیم. سپس عرض کردیم یا رسول الله (ص) این جنازه ی یک نفر یهودی است فرمود: «آیا جنازه ی انسان نیست. هر گاه جنازه ای دیدید برای ادای احترام برخیزید.»^۲

امام صادق (ع) در یکی از سفرهای خود مردی را مشاهده نمود که در گوشه ای افتاده و بی حال وامانده است. به یار همسفر خود فرمود: گمان می کنم این مرد تشنه است، او را سیراب کن. وی به بالین آن مرد رفت ولی دیری نپایید که ناگهان برگشت. حضرت فرمود: سیرابش کردی، پاسخ داد

۱ - همان، ص ۲۵.

۲ - همان، ص ۲۲۴.



نه این مرد یهودی است و من به حال او آگاهم. امام صادق از شنیدن این سخن بر آشفت و حالش دگرگون شد و به حالت خشم فرمود: باشد مگر انسان نیست.^۱

در آن ایام که علی (ع) فرمانروای مطلق حکومت اسلامی در سراسر قلمرو کشور وسیع اسلامی بجز شامات بود و کوفه مرکز این حکومت مقتدر به شمار می رفت. علی (ع) در راه خود به سوی کوفه با مردی از اقلیت های دینی برخورد نمود و از آنجا که قسمتی از مسیر هر دو مشترک بود توافق کردند که در مسافت مشترک با یکدیگر صحبت کنند. این راه به زودی ضمن گفتگو و مذاکرات گوناگون طی شد و به یک دو راهی که هر یک مسیر یکی از دو مصاحب بود رسیدند. مرد با کمال تعجب مشاهده کرد که رفیق مسلمانش از آن طرف که راه کوفه بود. نرفت و از این طرف که او می رفت به مصاحبت خویش ادامه داد. با شگفتی تمام پرسید: مگر نگفتی به طرف کوفه می روی؟ همراه با کمال مهربانی پاسخ داد چرا. مرد بار دوم پرسید: پس چرا از این سو می آیی؟ راه کوفه که آن سوی دیگر است. علی (ع) با لطف خاصی فرمود: می خواهم مقداری تو را مشایعت کنم. پیامبر ما فرموده: هر گاه دو نفر در یک راه با یکدیگر مصاحبت کنند حقی بر یکدیگر پیدا می کنند، اکنون تو حقی بر من پیدا کردی من به خاطر این حق که به گردن من داری می خواهم چند قدمی تو را مشایعت کنم و بعد به راه خودم خواهم رفت. مرد (مسیحی یا یهودی) با حالتی منقلب که گویی حقیقتی را یافته است گفت: پیامبر شما که این چنین نفوذ و قدرتی در میان مردم پیدا کرد بعلت همین اخلاق کریمه اش بوده است. شگفتی آن مرد وقتی به اوج رسید که متوجه شد همراه وی علی (ع) خلیفه مسلمین است. این رفتار آن مرد چنان دگرگون ساخت که او را در شمار یاران فداکار علی (ع) قرار داد.^۲

از شکایت مردی یهودی در زمان خلافت عمر از حضرت علی (ع) و حضور او و مرد ذمی در مقابل شریح قاضی و عتاب امام به قاضی که چرا او را به لقب و مرد یهودی را با اسم صدا زده می توان موقعیت پیروان مذاهب دیگر را در کشور اسلامی بدست آورد. پیامبر اکرم می فرماید: «من آذی ذمیا فقد آذانی»^۳ «هر کس اهل ذمه را بیازارد مرا آزرده است.»

۱ - همان.

۲ - شیخ کلینی، اصول کافی، ج ۲، انتشارات علمیه اسلامی، شیراز، ص ۶۷.

۳ - نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۲، ۴۲، کتاب القصاص، چاپ سوم، انتشارات مکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۷، ص ۱۵۳.



و باز بر اساس همان تعالیم اسلامی بود که علی (ع) آنگاه که چشمش به پیرمرد تهی دستی افتاد که گدایی می کرد، پرسید این پیرمرد کیست؟ گفتند یک نفر مسیحی است. علی (ع) در حالی که سخت ناراحت به نظر می رسید فرمود: تا وقتی قدرت داشت از او کار کشیدید، حال که پیر و ناتوان شده است، با او کاری ندارید؟ زندگی و معاش او را از بیت المال تأمین کنید. ^۱شیه همین ماجرا را سید قطب در مورد خلیفه دوم تعریف می کند. ^۲

۱-۴- اقلیت های دینی در حقوق اسلام

۱-۴-۱- قرآن و اهل کتاب

در قرآن در آیه های متفاوت از کلمه کتاب و اهل کتاب استفاده شده و در بعضی دیگر از آیات از ادیان نام برده شده است اکنون به بیان چند آیه اکتفا می کنیم:

۱- «قل یا اهل الکتاب تعالوا کلمه سوایننا و بینکم....» ^۳

۲- «قاتلو الذین لایؤمنون بالله و الیوم الاخر..... من الذین او تو الکتاب.....» ^۴

۳- «ان الذین امنو و الذین هادوا و انصاری و الصابئین من آمن بالله و الیوم الاخر.....» ^۵

۴- «ان الذین امنوا و الذین هادوا و الصابئین و انصاری.....» ^۶

۵- «ان الذین امنوا و الذین هادوا و الصابئین و انصاری و المجوس.....» ^۷

از دو دین بزرگ یهود به پیامبری موسی (ع) و کتاب تورات و نیز دین مسیح به پیامبری عیسی (ع) و کتاب انجیل، در قرآن بارها نام برده شده و از چگونگی تولد و رسالت آنها در سوره های مختلف ^۸ به تفصیل سخن به میان آمده است. لذا در اهل کتاب بودن پیروان آن دو جای شک و تردید نیست. اما

۱ - حرعاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، ج ۱۱ چاپ دوم، انتشارات مؤسسه آل البیت، قم، ۱۴۱۴، ص ۴۹.

۲ - همان، ص ۵۰

۳ - سوره آل عمران آیه ۶۴.

۴ - سوره توبه آیه ۲۹.

۵ - سوره بقره آیه ۶۲.

۶ - سوره مائده آیه ۶۹.

۷ - سوره حج آیه ۱۷.

۸ - سوره طه، سوره مریم.



آنچه نیازمند به توضیح است چگونگی اهل کتاب بودن صابئین و مجوس است که این موضوع را در مباحث بعدی پی خواهیم گرفت.

۱-۴-۲- اقلیت های دینی یا اهل کتاب در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از اقلیت های ملی، قومی، زبانی نام برده نشده ولی تلویحاً به وجود آن ها اشاره شده است. اصل نوزدهم بر عدم تبعیض براساس زبان، قومیت و برخورداری یکسان همه ی اقوام و نژادها از حقوق و آزادی ها تصریح و تأکید دارد. اصل بیستم می گوید: «همه ی افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه ی حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.»

چنانچه می دانیم در اسلام، تبعیض نژادی، قومی، زبانی جائی ندارد. قانون اساسی در سه مورد از اصطلاح اقلیت های دینی استفاده کرده است یکی در اصل سیزدهم که می گوید: «ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی، تنها اقلیت های دینی شناخته می شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آئین خود عمل می کنند.»

دوم در اصل ۲۶: «احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی، و صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیت های دینی»

سوم در اصل ۶۷ که سوگند یاد کردن نمایندگان اقلیت های دینی در نخستین جلسه ی مجلس مربوط می شود: «نمایندگان اقلیت های دینی این سوگند»

اصل دوازدهم قانون اساسی بدون آن که از اصطلاح اقلیت استفاده کند، پنج مذهب اسلامی، حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی، زیدی نام می برد که با توجه به شیعه بودن اکثریت قاطع ایرانیان، پیروان آن مذاهب، مصداق اقلیت مذهبی هستند. از عموم اصول چهاردهم، بیست و دوم، بیست و سوم، بیست و هشتم، بیست و نهم، سی ام، سی و یکم، سی و دوم، سی و چهارم، چهل و یکم قانون اساسی دانسته می شود که این قانون بسیاری از حقوق اساسی نظیر تساوی در برابر قانون، محفوظ بودن جان و مال و شغل و مسکن، آزادی عقیده، انتخاب شغل، برخورداری از روند عادلانه دادرسی، داشتن تابعیت، مشارکت در اداره امور کشور و امثال این ها را برای همه افراد و اتباع کشور صرف نظر از هر نوع وابستگی قومی و زبانی و مذهبی به رسمیت می شناسد.^۱ در قانون اساسی ایران از اصطلاح «اهل کتاب»

^۱ - نوری، سید مسعود، درنگی در حقوق اقلیت ها، چاپ اول، انتشارات کتاب ماه، تهران، ۱۳۷۹، ص ۱۸ تا ۲۰.